



بررسی نقش تعدیل‌گری مالکیت نهادی بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت

مهدی کاظمی^۱

مریم امامی میبدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

چکیده

توان و اختیار بالای مدیریت می‌تواند به کارایی بیشتر یا رفتار فرصت‌طلبانه منجر شود. همانطوری‌که، در ادبیات مربوط به انگیزه‌های اجتناب مالیاتی بحث شده است، فرصت‌طلبی مدیریتی می‌تواند، از طریق فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تشدید شود. بر این اساس، هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌گری مالکیت نهادی بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت است. پژوهش حاضر از نظر رویکرد، خردگرایانه و از منظر هدف، کاربردی است و در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار دارد. همچنین روش پژوهش از نظر نوع استدلال قیاسی بوده و از نظر زمان نیز یک پژوهش گذشته‌نگر است. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده ۱۲۰ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که از صنایع مختلف با روش حذف سامانمند در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ انتخاب‌شده و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل رگرسیون خطی چندگانه به شیوه داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی و روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است. نتایج تحقیق مبین آن است که، اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بهابازار اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد. مالکیت نهادی بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌گری مثبت دارد.

واژه‌های کلیدی: مالکیت نهادی، اجتناب مالیاتی، قدرت‌طلبی مدیریت.

۱ گروه حسابداری، واحد شاهین‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین‌شهر، ایران، 5279563722@iaui.ir

۲ گروه حسابداری، واحد شاهین‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین‌شهر، ایران (نویسنده مسئول)، 1111759154@iaui.ir



۱- مقدمه

از دیدگاه سنتی اجتناب از مالیات، فعالیتی باارزش افزوده برای شرکت‌ها است، که موجب انتقال ثروت از دولت به سهام‌داران می‌شود (پارک و همکاران^۱، ۲۰۱۶). منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است. درواقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. اجتناب از مالیات یک فعالیت گریز از مالیات بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است (هانلون و هیتزین^۲، ۲۰۱۰). اجتناب مالیاتی می‌تواند، موجب ترغیب مدیران در شرکت‌های با سطوح بالای اجتناب مالیاتی به فعالیت‌های پر هزینه جهت پنهان کردن و کاهش شفافیت صورت‌های مالی جهت دستیابی کم هزینه‌تر به منافع شود، که می‌توان آن را رفتاری فرصت طلبانه تلقی کرد (حسن و همکاران^۳، ۲۰۲۲).

براساس مطالعات دسای و دارماپالا^۴ (۲۰۰۶)، چن و همکاران^۵ (۲۰۱۰) و رگو و ویلسون^۶ (۲۰۱۲) اجتناب از مالیات می‌تواند قدرت‌طلبی شرکت‌ها را تشدید کرده و به‌صورت دستکاری درآمد و انحراف مستقیم منابع برای استفاده شخصی مدیران اتفاق بیفتد. در واقع، فعالیت‌های اجتناب از مالیات می‌توانند سپر حفاظتی برای فرصت‌طلبی مدیریتی و انحراف رانت‌ها فراهم کنند (شامس و همکاران^۷، ۲۰۲۲).

ازطرفی، ادبیات مالیاتی نشان می‌دهد که فعالیت‌های اجتناب از مالیات با عدم تقارن اطلاعاتی و رفتار فرصت‌طلبانه مدیریتی مرتبط است. بالاکریشنن و همکاران^۸ (۲۰۱۹) معتقدند، که اجتناب مالیاتی پیچیدگی مالی و سازمانی را افزایش می‌دهد، که به نوبه خود مانع از درک سرمایه‌گذاران از عملیات مالی شرکت می‌شود. بدان معنا که، مدیران تراکنش‌های فرار مالیاتی را پنهان کرده و گزارش‌های مالی غیرشفاف ارائه می‌کنند، تا از حسابرسی شدن توسط مقامات مالیاتی جلوگیری نمایند.

سرمایه‌گذاران نهادی با داشتن سهام عمده و حق رأی ناشی از آن، مدیران را مجبور می‌کنند تا بر عملکرد اقتصادی تمرکز کنند و در پی حداکثر کردن منافع شرکت باشند. یکی از فعالیت‌هایی که باعث حداکثر شدن منافع شرکت می‌شود، مدیریت مالیات است. مدیریت مالیات، فعالیتی ارزش‌زا است و سهام‌داران شرکت معتقدند که باید توسط مدیریت شرکت، نرخ مالیاتی شرکت مدیریت شود (گراهام و همکاران^۹، ۲۰۱۴). همچنین مدیریت مالیات در نهایت سود خالص شرکت را افزایش داده و منجر به کاهش جریان نقدی خروجی ناشی از مالیات می‌شود، که این امر خود می‌تواند افزایش ارزش شرکت را در پی داشته باشد. بنابراین، با توجه

¹ Park et al

² Hanlon, M. & Heitzman

³ Hasan et al

⁴ Desai and Darmapala

⁵ Chen et al

⁶ Rego and Wilson

⁷ Shams et al

⁸ Balakrishnan et al

⁹ Graham et al

به نقش سرمایه‌گذاران نهادی در افزایش ارزش شرکت، می‌توان انتظار داشت که این سرمایه‌گذاران در راستای مدیریت مالیات نقشی فعال داشته باشند. کورانا و موسر^۱ (۲۰۱۰) معتقدند که، اثرگذاری سهام‌داران نهادی بر مدیران شرکت‌ها تحت تأثیر اهداف آنها می‌باشد. به‌طوری‌که، سهام‌داران نهادی با افق اهداف بلندمدت با توجه به مسائل راهبردی شرکتی و جلوگیری از ضررهای جبران‌ناپذیر از سمت فرار مالیاتی کنترل متمرکزی بر قدرت‌طلبی مدیران شرکت‌ها داشته، تا منافع تمامی سهام‌داران را محافظت و هم‌سو نمایند. اما، در مقابل مدیران شرکت‌های تحت کنترل مالکیت نهادی با افق اهداف کوتاه‌مدت عموماً از پرداخت مالیات، بیشتر اجتناب می‌کنند. چراکه، هدف اصلی حداکثر کردن ارزش شرکت در کوتاه‌مدت است و یک عملکرد سوداگران را مورد توجه دارند. (شامس و همکاران، ۲۰۲۲).

براساس مطالب بیان شده ضرورت اجتناب مالیاتی و قدرت‌طلبی مدیریت بر هیچ کس پوشیده نیست. اجتناب مالیاتی موضوعی است، که همواره مورد توجه مدیران، سرمایه‌گذاران و دولت می‌باشد. نتایج پژوهش می‌تواند گامی در جهت شناخت هر چه بهتر و بیشتر روابط اجتناب مالیاتی و قدرت‌طلبی مدیریت و متغیرهای تأثیرگذار آنها باشد، تا از این طریق بتوانند تصمیمات مالی بهتری را در زمینه‌های کاری خود داشته باشند. برای نمونه، سرمایه‌گذاران می‌توانند در تصمیمات سرمایه‌گذاری در بازار سهام برای مدیران در جهت انتخاب گزینه‌های تامین مالی و سرمایه‌گذاری از یافته‌های پژوهش استفاده نمایند. تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوالات است، که آیا اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنادار دارد؟ و آیا مالکیت نهادی بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیلگری دارد؟

۲- مبانی نظری

۲-۱ اجتناب مالیاتی

اجتناب مالیاتی یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است و با یافتن راه‌های گریز از پرداخت مالیات در قوانین مالیاتی یا تلاش در جهت یافتن راه‌های قانونی به‌منظور کاهش میزان مالیات پرداختی مرتبط هست (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۸۳). در ادبیات حسابداری، اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده، اجتناب مالیاتی به‌صورت کاهش آشکار مالیات به‌ازای هر ریال سود حسابداری قبل از مالیات تعریف می‌گردد. طبق این تعریف، تمام معاملاتی که بر بدهی مالیاتی آشکار شرکت اثر م‌گذارند، در زمره اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرند و بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت‌های اجتنابی که به‌منظور کاهش مالیات انجام می‌شوند و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌شوند، تفاوتی قائل نمی‌شود (موسوی‌جهرمی و همکاران، ۱۳۹۱). طبق این تعریف اگر اجتناب مالیاتی را به‌صورت طیفی از

¹ Khuruna and Muser

استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی در نظر بگیریم، در یکسر طیف اجتناب مالیاتی قانونی (نظیر سرمایه گذاری در اوراق مشارکت) و در سر دیگر طیف اجتناب مالیاتی غیرقانونی قرار می‌گیرد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). باتوجه به مطالعه‌ی عابد و دمک^۱ (۲۰۲۲)، در جدول (۱) تفاوت بین اجتناب مالیاتی با برنامه‌ریزی مالیاتی و فرار از مالیات به صورت خلاصه بیان شده است.

جدول (۱) تفاوت بین اجتناب از مالیات با برنامه‌ریزی مالیاتی و فرار از مالیات

تفاوت بین اجتناب از مالیات با برنامه‌ریزی مالیاتی	هدف برنامه‌ریزی مالیاتی کاهش بدهی مالیاتی طبق قوانین در شکل و محتوا است.	هدف اجتناب از مالیات و کاهش بدهی مالیاتی طبق قوانین در شکل است ولی در محتوا نیست.
برنامه‌ریزی مالیاتی به وسیله بکارگیری مزایای ماده‌های مفید در قوانین انجام می‌شود.	اجتناب از مالیات به وسیله بکارگیری مزایای روزنه و خلاءهای موجود در قوانین انجام می‌شود.	
در برنامه‌ریزی مالیاتی حسن نیت وجود دارد.	در اجتناب از مالیات سوءنیت وجود دارد.	
فرار از مالیات از یک روش غیرقانونی برای کاهش مالیات استفاده می‌کند.	اجتناب از مالیات از یک روش قانونی برای کاهش مالیات استفاده می‌کند.	
فرار از مالیات به وسیله بکارگیری روش‌های غیرمنصفانه انجام می‌شود.	اجتناب از مالیات به وسیله بکارگیری مزایای روزنه و خلاءهای موجود در قوانین انجام می‌شود.	
فرار از مالیات یک روش غیرقانونی است و ممکن است منجر به مجازات شود.	اجتناب از مالیات با سوءنیت همراه است، اما طبق قوانین انجام می‌شود و مجازاتی به دنبال ندارد.	
فرار از مالیات یک تقلب آشکار است و بعد از اینکه بدهی مالیاتی افزایش یابد انجام می‌شود.	اجتناب از مالیات مشابه برنامه‌ریزی مالیاتی است و قبل از افزایش بدهی مالیاتی انجام می‌شود.	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۲ عوامل موثر بر اجتناب از مالیاتی

پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های سطح شرکت و اجتناب از مالیات با استفاده از تعدادی از مقیاس‌های بحث شده در بالا پرداخته‌اند. به عبارتی تفاوت‌های مالیاتی، نرخ موثر مالیات، استفاده از پناهگاه مالیاتی، و غیره را بررسی نموده‌اند. برای نمونه، گوپتا^۲ (۱۹۹۷) طیف وسیعی از عوامل نرخ موثر مالیات

^۱ -Abid and Dammak

^۲ - Gupta and Newberry

حسابداری را بررسی کردند. ریگو^۱ (۲۰۰۳) شواهدی را نشان داد که عملیات بین‌المللی منجر به فرصت‌های بیشتر اجتناب از مالیات و در نتیجه نرخ موثر مالیات حسابداری پایین‌تر، می‌شود. علاوه بر این، شرکت‌های متهم به استفاده از پناهگاه‌های مالیاتی تفاوت مالیات دفتری بزرگتر، عملیات خارجی بیشتر، شرکت‌های تابعه در پناهگاه‌های مالیاتی، نرخ موثر مالیات پایین‌تر، خسارات و زیان‌های دعاوی حقوقی بیشتری دارند (یاتاو و یان^۲، ۲۰۱۷).

اگر فعالیت‌های اجتناب ایجاد ارزش می‌کند و انگیزه‌های جبران پاداش منافع مدیران را با سهامداران هم‌سو می‌کند، پس شرکت‌هایی که از مشوق‌های مبتنی بر عملکرد پس از کسر مالیات استفاده می‌کنند، باید در اجتناب از مالیات بیشتر درگیر باشند. فی و هادلوک^۳ (۲۰۰۳) نشان داد که جبران پاداش مدیران واحد کسب و کار بر اساس درآمد پس از کسر مالیات منجر به کاهش نرخ‌های موثر مالیات حسابداری و در نتیجه افزایش اجتناب از مالیات می‌شود. دسای و همکاران^۴ (۲۰۰۷)، با مدل‌سازی اثر جبران پاداش انگیزشی و حاکمیت شرکتی روی اجتناب از مالیات در سطح شرکت، یک ارتباط منفی بین جبران پاداش مبتنی بر حقوق صاحبان سهام و اجتناب از مالیات یافتند (اجتناب مالیاتی توسط تفاوت مالیات دفتری غیرعادی اندازه‌گیری شد). با استفاده از تغییرات مقطعی در آزمون آن‌ها، ارتباط منفی فقط در میان شرکت‌هایی با حقوق سهامداران ضعیف‌تر و مالکیت نهادی پایین‌تر، وجود داشت. اگر مدیران به منظور افزایش انحراف مدیریتی در اجتناب از مالیات شرکت درگیر هستند، پس افزایش مشوق‌های حقوق صاحبان سهام برای هم‌سویی بیشتر مدیران و سهامداران، انحراف را کاهش می‌دهد، که پس از آن اجتناب از مالیات را کاهش خواهد داد (دسای و همکاران، ۲۰۰۷).

۳-۲ پیامدهای اجتناب از مالیاتی

اجتناب مالیاتی را می‌توان از جمله فعالیت‌هایی تلقی نمود، که پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی بر واحد تجاری و جامعه دارند. به‌طوری‌که، هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰) کاهش هزینه مالیات، افزایش جریان‌های نقدی و افزایش ثروت سهامداران را از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه‌های مالیاتی، احتمال وضع مالیات بیشتر، جرایم مالیاتی، کاهش مسئولیت اجتماعی و به‌دنبال آن کاهش ارزش شرکت را از جمله پیامدهای غیرمستقیم آن قلمداد نموده است. از آنجایی که ممکن است، پیامدهای غیرمستقیم اجتناب مالیاتی بر شرکت از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، در ادامه ادبیات مربوط به این زمینه ارایه می‌شود. مرور ادبیات مالی و حسابداری نشان می‌دهد، که اجتناب مالیاتی به‌عنوان عاملی که تبادل اطلاعات شرکت را محدود می‌نماید،

¹ - Rego

² - Yutao and Yan

³ - Fee and Hadlock

⁴ - Desai et al

نگریسته شود. دسای و دارماپال^۱ (۲۰۰۹) و چن و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که، به جهت این که اجتناب مالیاتی با هدف پنهان نمودن مالیات واقعی شرکت‌ها صورت می‌پذیرد، ممکن است بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها تأثیر منفی گذاشته و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران را افزایش دهد. همچنین، اجتناب مالیاتی، برقراری ارتباط واحد تجاری با منابع برون سازمانی را دچار مشکل ساخته که این امر شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، هانلون و اسلمرد^۲ (۲۰۰۹) معتقدند که، بازار ممکن است، نسبت به پناهگاه‌های مالیاتی شرکت‌ها واکنش منفی نشان داده و در رابطه احتمال ترکیب پناهگاه‌های مالیاتی با رفتارهای فرصت-طلبانه مدیران از جمله دستکاری معیارهای عملکرد نگرانی‌هایی دارند. این نگرانی بازار با نتایج پژوهش فرنگ و همکاران^۳ (۲۰۰۹) مبنی بر این که، رابطه مثبت و قوی بین اجتناب مالیاتی و گزارشگری مالی متقابلانه وجود دارد، مضاعف گردد. از سوی دیگر، دسای و دارماپال (۲۰۰۹) اگرچه معتقد بوده‌اند که اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت تأثیر ندارد اما وجود ساز و کارهای نظارتی مانند سرمایه‌گذاران نهادی می‌تواند این رابطه را معنادار و مستقیم نماید. به بیان دیگر می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که با فرض وجود فعالیتهای اجتناب مالیاتی، ساز و کارهای راهبری شرکتی می‌تواند آن را به فعالیتی همسوی منافع شرکت و سهامداران تبدیل نماید (شامس و همکاران، ۲۰۲۲).

۲-۴ روش‌های اجتناب از مالیات شرکت‌ها

در شرکت‌های چندملیتی، درآمد شرکت‌های تابعه خارجی مشمول مالیات نیست، تا زمانی که این درآمدها به عنوان سود نقدی به شرکت اصلی کشور مبدأ بازگردانده شود. اگرچه، برخی از درآمدهای شرکت وابسته به راحتی منتقل می‌شوند. ولی در حال حاضر این درآمدها تحت قوانین ضد سوءاستفاده مودی مالیاتی، مشمول مالیات می‌شوند. اگر یک شرکت بتواند سود خود را از یک حوزه دارای مالیات بالا به حوزه کم‌مالیات انتقال دهد، مالیات‌هایش کاهش خواهد یافت. تفاوت‌های مالیات روی فعالیت‌های واقعی اقتصادی تأثیر گذار است، که به نوبه خود روی درآمدها تأثیر می‌گذارد. در این راستا، شرکت‌ها از دو روش انتقال درآمد و قیمت‌گذاری انتقالی از پرداخت مالیات اجتناب می‌نمایند^۴ (گراهام و همکاران، ۲۰۱۴).

۲-۵ ساختارهای مالکیت

به طور کلی دو دیدگاه رقیب در خصوص اثرات مدیریت ارشد بر پیامدهای سازمانی شرکت‌ها ارائه شده است. براساس، دیدگاه اول هانان و فریمن^۵ (۱۹۷۷) ادعا کردند؛ مدیریت ارشد شرکت‌ها تأثیر اندکی بر پیامدهای

^۱ - Desai & Dharmapala

^۲ - Hanlon & Slemrod

^۳ - Frang et al

^۴ - به لحاظ محدودیت فضای ارائه، این قسمت خلاصه تفسیر شده است.

^۵ - Hannan & Freeman

سازمانی دارند. زیرا سازمان‌های بزرگ از نوعی لختی و کژری رنج می‌برند و با کمک نیروهای بیرونی به حرکت درمی‌آیند. اما، دیدگاه جایگزین که به‌طور معمول از آن با عنوان دیدگاه رده‌های بالایی یاد می‌شود را که باتوجه به مطالعه‌ی هامبریک و میسون^۱ (۱۹۸۴) پیامدهای سازمانی شامل گزینه‌های راهبردی و سطوح عملکرد، تابعی از ویژگی‌های مدیریت شرکت باشد. ازطرفی، در سال‌های اخیر حضور سرمایه‌گذاران مختلف در جمع سهامداران شرکت‌های سهامی عام از رشد چشم‌گیری برخوردار بوده است. کمیت و کیفیت حضور این سرمایه‌گذاران در جمع مالکین شرکت‌های صنعتی به‌لحاظ تأثیری که بر ساختار مالکیت و نیز نحوه حاکمیت بر سازمان بر جای می‌گذارد در خور توجه است. زیرا، حاکمیت ضعیف در شرکت‌ها نه‌تنها باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی نمی‌شود. بلکه با افزایش هزینه جذب سرمایه قدرت رقابت شرکت‌ها را نیز کاهش می‌دهد. بدین سبب این اثر مهم مالکانه این سرمایه‌گذاران در شرکت‌های صنعتی نکته‌ای در خور دقت است (خرمی و غلامی‌جمکرانی، ۱۳۹۳).

بوشی (۱۹۹۸) سرمایه‌گذاران نهادی را به‌صورت سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نهادها و موسسه‌هایی از این قبیل تعریف می‌کند. در کشورهای توسعه یافته مانند آمریکا و انگلیس، چهار نوع اصلی از سهامداران نهادی شامل؛ صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها وجود دارد. ازطرفی، فرض می‌شود که، این سهامداران از توانایی لازم جهت تأثیرگذاری بر تصمیم‌ها و سیاست‌های شرکت سرمایه‌پذیر برخوردار هستند. با استناد با بیانیه مطرح شده و نیز با توجه به تقسیم‌بندی سهامداران بر اساس درصد مالکیت (سهامداران جزئی، اثرگذار و کنترل کننده) این امکان وجود دارد، که سهامداران نهادی با درصد مالکیت کمتر از ۲۰٪ در برخی از شرکت‌ها تأثیر و نفوذ قابل ملاحظه‌ای بر تصمیمات و سیاست‌های مالی شرکت داشته باشند. ولی در برخی دیگر از شرکت‌ها فاقد چنین تأثیرگذاری باشند. به‌طوری‌که، سرمایه‌گذاران نهادی از لحاظ اندازه سهام، تخصص در جمع‌آوری اطلاعات و نظارت بر مدیران تفاوت‌های زیادی با سهامداران جزء دارند. آنها منابعی برای نفوذ و نظارت بر مدیران دارند (وقفی و همکاران، ۱۳۹۵).

۲-۶ اجتناب مالیاتی و قدرت‌طلبی مدیران

دو دیدگاه در مورد شکل‌گیری اجتناب مالیاتی و عکس‌العمل مدیران مطرح شده است. دیدگاه اول؛ نظریه ارزش آفرینی اجتناب مالیاتی است و دیدگاه دوم؛ نظریه هزینه نمایندگی ناشی از اجتناب مالیاتی است. در دیدگاه اول؛ اجتناب مالیاتی سبب کاهش هزینه‌های شرکت و رشد ثروت سهامداران است. در این راستا، ویلسون^۲ (۲۰۰۹) معتقد است، که اجتناب از مالیات سبب منفعت برای شرکت و رشد ارزش سهام و ثروت

^۱ - Hambrick & Mason
^۲ Wilson

سهامداران می‌شود. در واقع، عملکرد سیاست‌های مالیاتی مشابه تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در اجتناب مالیاتی برای شرکت‌ها سبب منفعت اقتصادی است (فرانسیس و همکاران^۱، ۲۰۱۵). اما، در دیدگاه دوم؛ اجتناب مالیاتی به عنوان ابزاری سبب فرصت‌طلبی مدیران در کسب منفعت مدیران و رشد قدرت آنها می‌شود و بزرگ‌ترین مسئله سهامداران یافتن راه‌حل برای کاهش هزینه نمایندگی ناشی از اجتناب مالیاتی است. چراکه، سبب دست‌کاری صورت‌های مالی، کاهش سود شرکت و درخواست پاداش‌های غیرمعارف توسط مدیران می‌شود (وانگ^۲، ۲۰۱۰). مطابق این نظریه، دسای و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند که، اجتناب مالیاتی در سطوح بالا، سبب تشویق مدیران در جهت فعالیت‌های هزینه‌بر برای کاهش شفافیت صورت‌های مالی شرکت می‌شود، که نشان از رفتار فرصت‌طلبانه مدیران است. براترند و مولایناتین^۳ (۲۰۰۳) نیز معتقد است که، اجتناب مالیاتی سبب افزایش قدرت و نفوذ مدیران می‌شود (قادرزاده و علوی، ۱۴۰۱).

۲-۷ مالکیت نهادی، اجتناب مالیاتی و قدرت‌طلبی مدیران

ریگو^۴ (۲۰۰۳)، گراهام و توکر^۵ (۲۰۰۶) و لیم^۶ (۲۰۱۱) معتقدند که، بعضی از شرکت‌ها به لحاظ عواملی هم‌مانند؛ ویژگی‌های شرکت شامل: اندازه، نوع صنعت، عمر و انگیزه‌های مثل: پاداش، ساختار مالکیت و شکل سازمانی در پرداخت مالیات به سمت اجتناب از پرداخت مالیات تمایل نشان می‌دهند. از طرفی، صورت‌های مالی شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری مورد توجه سهامداران است و تغییر رفتار مدیران شرکت‌ها در ارائه گزارش‌گری مالی تحت تأثیر مالکیت شرکت می‌تواند، است. حال زمانی که، ترکیب مالکیت اعضای هیئت مدیره به صورتی باشد، که برآنان کنترل صورت گیرد و یا سهامداران اکثریت با نفوذ در هیئت مدیره قدرتی را ایجاد کرده، که یک تضاد منافع بین سهامداران اکثریت و اقلیت ایجاد می‌شود. در این حالت سهامداران کنترل‌کننده می‌توانند بر پرداخت‌های نقدی مربوط به سهامداران اقلیت و سودهای غیر معمول آنها، کنترل و اعمال قدرت نمایند (بن علی و لسیج^۷، ۲۰۱۲).

البته ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند، با پوشش طیف وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی شکل گرفته شده باشد. از طرفی، بر اساس تئوری حاکمیت شرکتی سرمایه‌گذاران نهادی در قالب مالکیت نهادی می‌توانند بر قدرت مدیران شرکت کنترل داشته باشند. سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند با کنترل مدیریت شرکت منافع

Francis et al^۱
Wang^۲
Bertrand and Mullainathan^۳
Graham and Tucker^۴
lim^۵
Ben Ali and Lesage^۶

سهام‌داران را حفظ نمایند. به‌طوری‌که، سرمایه‌گذاران نهادی که دارای منابع مالی عظیمی هستند، نفوذ به-سزایی بر ارزش شرکت‌ها در بازار سرمایه دارند. در واقع، عملکرد مطلوب مالکیت نهادی در بازار سرمایه یک ثبات را در بر دارد (ناظمی و نصیری، ۱۳۹۳).

۳- پیشینه پژوهش

آزاد و رستگاری‌راد (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر غیرخطی مالکیت مدیریتی بر نسبت بدهی‌های کوتاه و بلندمدت با استفاده از روش تابلویی در ۱۶۵ شرکت پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران فرضیه‌های تحقیق را بررسی نموده‌اند. باتوجه به نتایج تحقیق مشخص شد، که مدیریت مالکیتی بر نسبت بدهی کوتاه مدت و کل بدهی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر معنادار و غیرخطی نداشته و مدیریت مالکیتی بر نسبت بدهی بلندمدت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر معنادار و غیرخطی و U شکل معکوس داشته است.

اسماعیل‌زاده آملی (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین رقابت بازار محصول و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها: نقش سودآوری و حاکمیت شرکتی در ۱۳۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۸ با استفاده از داده‌های ترکیبی و رگرسیون حداقل مربعات معمولی پرداخته‌اند. نتایج معرف آن است که، بین رقابت بازار محصول و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و نیز سودآوری شرکت و حاکمیت شرکتی بر رابطه بین رقابت بازار محصول و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثر مثبت دارد.

بدیعی‌نژاد و توانگر (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان اثر تمرکز مالکیت نهادی منفعل، دوره تصدی مدیرعامل و رقابت بازار محصول بر رابطه بین اغفال توجه سرمایه‌گذاران نهادی منفعل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها با استفاده از روش تابلویی با اثرات ثابت در ۱۵۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران فرضیه‌های تحقیق را بررسی نموده‌اند. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش مشخص گردید که، اغفال توجه سرمایه‌گذاران نهادی منفعل تأثیر منفی و معناداری بر شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها داشته و علی‌رغم این‌که تمرکز مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی منفعل در دو سطح تمرکز بیشتر از ۵٪ و تمرکز بیشتر از ۱۵٪، تأثیر مثبت و معناداری بر شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها داشته، ولی اغفال توجه سرمایه‌گذاران نهادی منفعل تنها در شرکت‌های دارای سطح تمرکز مالکیت نهادی منفعل بیشتر از ۱۵٪، تأثیر منفی و معناداری بر شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها داشته است.

کرمی و همکاران (۱۳۹۹)، اهمیت کیفیت محیط اطلاعات داخلی در اجتناب مالیاتی با استفاده روش تابلویی در ۱۴۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران فرضیه‌های تحقیق را بررسی نموده‌اند. باتوجه به نتایج تحقیق مشخص گردید که، زمانی‌که برای اندازه‌گیری کیفیت محیط اطلاعات داخلی از معیار «دقت پیش‌بینی مدیریت» استفاده می‌شود، محیط‌های اطلاعاتی داخلی با کیفیت‌تر با ریسک مالیاتی کمتری مواجه

می‌شود و زمانی که از معیار «عدم تجدید ارائه صورت‌های مالی» استفاده شده، هیچ رابطه معناداری بین کیفیت محیط اطلاعات داخلی و ریسک مالیاتی ملاحظه نمی‌شود.

وین و^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان مشوق‌های عدالت مدیریت و اجتناب از مالیات شرکت: نقش تعدیل‌کننده کنترل داخلی در شرکت‌های چینی در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ فرضیه‌ها تحقیق را بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق مزبور معرف آن بوده که، یک رابطه مثبت بین مشوق‌های حقوقی مدیریت و اجتناب مالیاتی شرکتی وجود داشته و فقدان کنترل داخلی رابطه مثبت بین مشوق‌های حقوق صاحبان سهام و رفتار اجتناب از مالیات شرکت را افزایش داده و نیز تأثیر مشوق‌های سهام مدیریت بر رفتار اجتناب از مالیات شرکت در شرکت‌های دولتی بیشتر از شرکت‌های خصوصی بوده است.

شامس و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان آیا اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باعث ایجاد قدرت‌طلبی مدیریتی می‌شود؟، با استفاده از ۳۵۰۶۰ مشاهدات سالانه شرکت از ایالات متحده برای دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۵ بررسی نموده‌اند. نتایج نشان داد، مشکلات نمایندگی بر شرکت‌هایی تحمیل می‌شود که از راهبرد اجتناب از مالیات استفاده می‌کنند، که به نوبه خود، انباشت دارایی‌ها تسهیل می‌کند. علاوه بر این، رابطه اجتناب از مالیات شرکتی با ایجاد قدرت‌طلبی مدیریتی در شرکت‌هایی با حکمرانی ضعیف، مکانیسم‌های نظارت ضعیف، قدرت مدیر ارشد اجرایی (مدیرعامل) بیشتر و عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی شرکتی بارزتر است. همچنین نتایج نشان داده است، که اجتناب مالیاتی با انگیزه قدرت مدیریت منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود.

حسن و همکاران (۲۰۲۲)، پژوهشی با عنوان تأثیر مالکیت نهادی خارجی بر اجتناب مالیاتی شرکت: شواهد بین‌المللی انجام داده‌اند. نتایج نشان داده، که سرمایه‌گذاران نهادی خارجی اجتناب مالیاتی شرکت‌های سرمایه پذیر خود را کاهش می‌دهند. در نهایت، اگر شرکت سطح بالاتری از اجتناب مالیاتی داشته باشد، سرمایه‌گذاران نهادی به احتمال زیاد علیه مدیریت رای می‌دهند.

فاروق و آنجی^۲ (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی: شواهدی از شرکت‌های کوچک و متوسط هند از روش داده‌های تابلویی در دوره‌ی ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ موضوع تحقیق را بررسی نموده‌اند. نتایج معرف آن بوده که، شرکت‌های کوچک و متوسط با مالکیت متمرکز ارتباط منفی با اجتناب از مالیات دارند و نیز در پی تامین سرمایه در شرکت‌های کوچک و متوسط با سطوح مشابهی از تمرکز مالکیت امکان اجتناب از مالیات وجود دارد.

کاستر و همکاران^۳ (۲۰۱۶)، پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی انجام داده‌اند. نتایج پژوهش معرف آن بوده که، مدیران توانمند به دلیل درک بالایی که از محیط عملکردی شرکت‌ها دارند، می‌توانند تصمیمات تجاری را با راهبردهای مالیاتی هم‌سو کرده و فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی موثر

¹ Wenwu et al

² Farooq and Angie

³ Koester et al

را شناسایی کنند. آنها به شواهد قابل اعتمادی مبنی بر مشارکت مدیران توانمند در فعالیتهای اجتناب مالیاتی که پرداخت مالیات نقدی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، دست یافتند.

۴- فرضیه‌های تحقیق

با توجه به توضیحات در بخش مبانی نظری و پیشینه تحقیق و مهم‌تر از آن تفسیر هدف اصلی تحقیق دو فرضیه مطرح و بررسی شده است؛

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد.

فرضیه دوم: مالکیت نهادی بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیلگری مثبت دارد.

۵- روش تحقیق

۵-۱ جامعه آماری

این پژوهش از پژوهش‌های همبستگی و از جهت هدف پژوهش، از نوع پژوهش کاربردی می‌باشد. به دلیل، این‌که از داده‌های شرکت‌های بورسی در سال‌های گذشته استفاده شده، از نوع پژوهش پس‌رویدادی است و به لحاظ این‌که دخل و تصرفی در داده‌های نداشته و صرفاً شرایط موجود را توصیف می‌نماید، یک پژوهش توصیفی است. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ است، که ویژگی‌های زیر را داشته‌اند:

- (۱) شرکت‌ها نباید سال مالی خود را در طی دوره مورد مطالعه تغییر داده باشند.
- (۲) اطلاعات مالی شرکت‌های مورد بررسی به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در سایت کدال در دسترس باشد.
- (۳) شرکت‌های مورد بررسی در بازه زمانی پژوهش از بورس خارج نشده باشند.
- (۴) شرکت‌های مورد نظر جزء بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، لیزینگ، هلدینگ، بیمه‌ای و سرمایه‌گذاری نباشند.

با توجه به شرایط مذکور از بین ۵۰۴ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از روش حذف سیستماتیک ۱۲۰ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

۲-۵ مدل و متغیرهای تحقیق

به پیروی از مطالعه‌ی شامس (۲۰۲۲)، جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره و داده‌های ترکیبی از مدل (۱) و (۲) برای آزمون فرضیه اول و دوم به شرح زیر استفاده شده است.

$$Empire - Build_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Tax - Avoid_{it} + \alpha_2 Lev_{it} + \alpha_3 Roa_{it} + \alpha_4 Size_{it} + \alpha_5 Sgrowth_{it} + \alpha_6 Face_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

$$Empire - Build_{it} = \beta_0 + \beta_1 Tax - Avoid_{it} + \beta_2 Own_{it} + \beta_3 Tax - Avoid_{it} * Own_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Roa_{it} + \beta_6 Size_{it} + \beta_7 Sgrowth_{it} + \beta_8 Face_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

که در آن؛ متغیرهای تحقیق از جهت، محاسبه در جدول (۲) تفسیر شده اند.

جدول (۲) تعریف متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری

نوع متغیر	نام متغیر	معیار اندازه‌گیری	نحوه اندازه‌گیری
متغیرواب سته	قدرت‌طلبی مدیران	$Empire - Build_{it}$	با استفاده از آزمون مولفه‌های اصلی ^۱ (PCA)، که از اندازه‌گیری ترکیبی و امتیازی عاملی به سه مولفه؛ سطح مخارج سرمایه‌ای ^۲ ، رشدکل‌دارایی‌ها ^۳ و رشد در اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات ^۴ است، متغیر قدرت‌طلبی مدیران بدست می‌آید. که مقادیر بالاتر معرف قدرت‌طلبی بالای مدیران و بالعکس.
متغیر مستقل	اجتناب مالیاتی	$Tax - Avoid_{it}$	باتوجه به مطالعه‌ی نئی فر و آجیلی (۲۰۱۹)، از رابطه‌ی زیر اجتناب مالیاتی به‌دست می‌آید ^۵ ؛ $Tax - Avoid_{it} = \frac{\sum_{i=0}^{T-i} Cash\ Taxes\ Paidx_{it}}{\sum_{i=0}^{T-i} Pre\ Taxes\ Income_{it}}$
متغیر تعدیلگر	مالکیت نهادی	Own_{it}	معرف میزان سهام عادی شرکت نمونه که در مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی قرار دارد، می‌باشد. برای محاسبه آن، تعداد سهام مالکین نهادی بر کل تعداد سهام عادی شرکت در ابتدای دوره (پایان دوره قبل) تقسیم می‌گردد (یعنی تعداد سهام در دست توسط سرمایه-گذاران نهادی تقسیم بر کل تعداد سهام در دست در ابتدای دوره).

^۱ Principal Component Analysis

^۲ CAPEX؛ مخارج سرمایه‌ای از تغییر دارایی ثابت بین سال‌های t و t-1

^۳ AGROWTH؛ برابر است با تقاضا کل دارایی‌های سال جاری و کل دارایی‌های سال قبل، تقسیم بر کل دارایی‌های سال قبل

^۴ PPEGROWTH؛ از ارزش ناخالص اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات تقسیم بر کل دارایی‌ها در پایان دوره

^۵ Cash Taxes Paid_{i,t}؛ هزینه مالیات شرکت؛ در سال Pre Tax Income_{i,t}؛ سود قبل از مالیات شرکت

نوع متغیر	نام متغیر	معیار اندازه‌گیری	نحوه اندازه‌گیری
			این میزان برای هر سهامدار نهادی باید بزرگتر یا برابر با ۵ درصد کل سهام شرکت باشد. $= \frac{\text{تعداد سهام عادی در اختیار سرمایه گذاران نهادی}}{\text{تعداد کل سهام عادی شرکت در ابتدای دوره}} \geq 0/05$
متغیرهای کنترلی	اهرم مالی	Lev_{it}	نسبت مجموع بدهی به مجموع دارایی‌ها
	بازده دارایی	Roa_{it}	نسبت سود خالص بر کل فروش‌های ^۱ شرکت در پایان سال مالی
	اندازه شرکت	$Size_{it}$	لگاریتم ارزش دارایی های شرکت
	رشد سالانه شرکت	$Sgrowth_{it}$	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام
	سن شرکت	$Face_{it}$	فاصله زمانی بین تاریخ پذیرش در بورس تا پایان دوره زمانی پژوهش، اندازه‌گیری می‌شود

منبع؛ یافته‌های پژوهشگر

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱ آزمون مولفه‌های اصلی

در جدول (۳)، با استفاده از آزمون مولفه‌های اصلی (PCA)، همبستگی مولفه‌های اصلی تحقیق برآورد شده است. مقادیر ویژه از مجموع مجذورات همبستگی بین گونه‌ها با محور اصلی محاسبه می‌شود که سهم نسبی هر مولفه در تبیین کل داده‌ها را ارائه می‌دهد. اندازه مقدار ویژه برای یک مولفه اهمیت آن مولفه را در تشریح کل تغییرات در داخل مجموعه داده‌ها به‌طور مستقیم نشان می‌دهد. مولفه اول که مقدار ویژه آن‌ها بزرگتر از یک است را در نظر گرفته و از سایر مولفه‌ها صرف نظر می‌کنیم. درصد واریانس مربوط به هر مولفه، معیار دیگری است، که مولفه‌هایی که درصد بیشتری از پراکندگی را توضیح می‌دهند برای ادامه کار کفایت می‌کنند، معمولاً مولفه اول بیشترین واریانس را در نظر می‌گیرد. براین اساس، با توجه به نتایج جدول (۳) و توضیحات فوق متغیر قدرت‌طلبی مدیریت از رابطه‌ی (۳)، محاسبه می‌شود؛

$$Empire - Build_{it} = 0/6998CAPEX + 0/6945AGROWTH + 0/1672PPEGROWTH \quad (4)$$

^۱ - به دلیل شرایط تورمی در اقتصاد ایران در شاخص بازده دارایی به‌جای کل دارایی از کل فروش استفاده شده است.

جدول (۳) همبستگی مولفه‌های اصلی

مولفه ها	مقدار ویژه	درصد واریانس هر مولفه	درصد واریانس انباشته
مولفه ۱	۱/۹۴۹	۰/۹۷۴	۰/۶۴۹
مولفه ۲	۰/۹۷۴	۰/۸۹۸	۰/۳۲۴
مولفه ۳	۰/۷۶	۰	۰/۲۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۶ آمار توصیفی

در جدول (۴)، آمار توصیفی متغیرهای تحقیق از جهت شاخص‌های مرکزی و پراکندگی بیان شده است. از طرفی، در جدول (۴)، احتمال آماره جارکو- برا، برای تمام متغیرهای پژوهش کمتر ۰/۰۵ است، که معرف غیر نرمال بودن توزیع متغیرها می‌باشد. اما، به لحاظ بالا بودن تعداد داده‌های تحقیق، متغیرهای تحقیق نرمال فرض می‌گردد.

جدول (۴) آمار توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	آماره (جارکو- برا)
قدرت طلبی مدیران	۹۶۰	۰/۲۸۹	۰/۲۱۱	۱/۴۸۷	-۰/۲۹۱	۰/۳۲۷	۱/۳۸۱	۴/۸۵۶	۴۴۰(۰/۰۰۰)
اجتناب مالیاتی	۹۶۰	۰/۱۰۸	۰/۱۰۴	۰/۲۱۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۲	۱/۱۲۰	۳/۷۷۹	۲۲۴(۰/۰۰۰)
مالکیت نهادی	۹۶۰	۰/۵۷۴	۰/۶۹۲	۰/۹۸۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۸	-۰/۷۴۱	۲/۰۹۷	۱۱۹(۰/۰۰۰)
اهرم مالی	۹۶۰	۰/۵۴۸	۰/۵۵۹	۰/۸۹۷	۰/۰۳۱	۰/۱۹۷	-۰/۳۴۷	۲/۳۹۰	۳۳/۹(۰/۰۰۰)
بازده دارایی	۹۶۰	۰/۱۳۹	۰/۱۰۳	۰/۵۹۹	-۰/۲۸۹	۰/۱۵۷	۰/۶۳۲	۳/۲۷۸	۶۶/۶(۰/۰۰۰)
اندازه شرکت	۹۶۰	۱۲/۶۹۱	۱۲/۵۷۴	۱۵/۵۱	۱۰/۹۳	۰/۸۵۱	۰/۴۱۷	۲/۶۱۱	۳۳/۷(۰/۰۰۰)
رشد سالانه شرکت	۹۶۰	۰/۳۴۵	۰/۲۶۸	۲/۴۹۹	-۱/۰۰	۰/۴۹۷	۱/۱۱۹	۵/۹۰۱	۵۳۴(۰/۰۰۰)
سن شرکت	۹۶۰	۱/۲۹۵	۱/۳۰۱	۱/۷۳۲	۰/۸۴۵	۰/۱۴۲	۰/۲۰۱	۳/۵۷۱	۱۹/۴(۰/۰۰۰)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۶ آمار استنباطی

قبل از برآورد مدل به منظور اطمینان از نتایج تحقیق و ساختگی نبود روابط موجود در رگرسیون و معنی‌دار بودن متغیرها، از روش دیکی فولر تعمیم یافته بررسی شده است و نتایج معرف آن بوده که، تمامی متغیرها در

سطح مانا هستند^۱. در ادامه، براساس نتایج در جدول (۵)، چون سطح معناداری آزمون اف لیمر (چاو) در همه مدل‌های تحقیق کمتر از ۵ درصد است، از این‌رو، رویکرد داده‌های تابلویی در مقابل رویکرد داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود.

جدول (۵) نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

مدل	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
اول	۵/۸۹	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
دوم	۶/۸۳	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

و در نهایت، براساس نتایج در جدول (۶)، چون سطح معناداری آزمون در همه مدل‌های تحقیق بالاتر از ۵ درصد است، از این‌رو، اثرات تصادفی در مقابل اثرات ثابت مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

جدول (۶) نتایج آزمون هاسمن

مدل	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
اول	۲/۰۳	۰/۵۶	اثرات تصادفی
دوم	۱/۵۶	۰/۶۳	اثرات تصادفی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۶ نتایج و تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت دارد.

به‌منظور آزمون فرضیه اول، نتایج تخمین مدل (۱)، در جدول (۷) بیان شده، استفاده شده است. با توجه به مقدار احتمال F و سطح معناداری آن که کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر بودن ضرایب تخمین در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده، بدان معنا که مدل برای تفسیر فرضیه اول قابل اتکا است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۲/۱۰۳ است، که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی خطاها را نشان می‌دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده معرف آن است، که، تقریباً ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تفسیر می‌گردد.

^۱ - به‌لحاظ محدودیت فضای ارائه صرفاً نتیجه آزمون بیان شده است.

نتایج نشان می‌دهد، که در سطح اطمینان ۹۹ درصد اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری بر متغیر قدرت‌طلبی مدیریت داشته است. بنابراین، این فرضیه تایید شده و نیز، در بخش متغیرهای کنترلی اهرم مالی، بازده دارایی و رشد سالانه شرکت بر قدرت‌طلبی مدیریت موثر بوده است.

جدول (۷) نتایج تخمین مدل (۱)

متغیرهای مستقل	نماد	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	T آماره	سطح معنی‌داری
اجتناب مالیاتی	$Tax - Avoid_{it}$	۰/۱۵۹	۰/۰۷۹	۲/۰۱۶	۰/۰۴۴۱
اهرم مالی	Lev_{it}	۰/۲۶۹	۰/۰۸۹	۲/۹۹۸	۰/۰۰۲۸
بازده دارایی	Roa_{it}	۰/۸۹۸	۰/۱۱۶	۷/۷۴۶	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	$Size_{it}$	۰/۰۸۹	۰/۰۶۷	۱/۳۲۷	۰/۱۸۴۷
رشد سالانه شرکت	$Sgrowth_{it}$	۰/۰۸۶	۰/۰۱۹	۴/۵۲۲	۰/۰۰۰۰
سن شرکت	$Face_{it}$	۰/۴۳۱	۰/۵۴۸	۰/۷۸۵	۰/۴۳۲۱
عدد ثابت	C	-۱/۶۸۱	۰/۸۱۳	-۲/۰۶۶	۰/۰۳۹۱
ضریب تعیین		۰/۴۴۳۰		آماره F	۴/۹۵
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۳۵۳۶		سطح	۰/۰۰۰
آماره دوربین واتسون		۲/۱۰۳		معنی‌داری F	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

فرضیه دوم: مالکیت نهادی بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیلگری مثبت دارد.
به‌منظور آزمون فرضیه دوم، از نتایج تخمین مدل (۲)، که در جدول (۸) ارائه شده، استفاده شده است.

جدول (۸) نتایج تخمین مدل (۲)

متغیرهای مستقل	نماد	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	T آماره	سطح معنی‌داری
اجتناب مالیاتی	$Tax - Avoid_{it}$	۰/۱۵۵	۰/۰۶۷	۲/۳۰	۰/۰۲۱۴
مالکیت نهادی	Own_{it}	۰/۰۹۶	۰/۰۴۶	۲/۰۶	۰/۰۳۹۱
اثر تعاملی بین اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی	$Tax - Avoid_{it} * Own_{it}$	۰/۱۲۷	۰/۲۱۹	۰/۵۸	۰/۰۵۶

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
دوره ۱۷/ پیاپی ۶۸ / زمستان ۱۴۰۴

متغیرهای مستقل	نماد	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره T	سطح معنی داری
اهرم مالی	Lev_{it}	۰/۳۷۱	۰/۰۶۷	۴/۰۳	۰/۰۰۰۱
بازده دارایی	Roa_{it}	۰/۷۷۵	۰/۰۹۰	۸/۵۵	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	$Size_{it}$	۰/۰۷۶	۰/۰۱۳	۵/۱	۰/۰۰۰
رشد سالانه شرکت	$Sgrowth_{it}$	۰/۱۲۹	۰/۰۲۱	۶/۱۶	۰/۰۰۰
سن شرکت	$Face_{it}$	۰/۰۶۱	۰/۰۷۵	۰/۸۰	۰/۴۱۹۹
عدد ثابت	C	-۰/۹۹۹	۰/۱۷۴	-۵/۷۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۵۷۸۹		آماره F	۴۴/۱۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۵۶۹۸		سطح معنی داری F	۰/۰۰۰
آماره دوربین واتسون		۱/۷۲۸			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به مقدار احتمال F و سطح معناداری آن که کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر بودن ضرایب تخمین در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده، بدان معنا که مدل برای تفسیر فرضیه دوم قابل اتکا است. مقدار آماره دوربین-واتسون ۱/۷۲۸ است، که این مقدار، عدم وجود خودهمبستگی خطاها را نشان می‌دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده معرف آن است، که، تقریباً ۵۷ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، تفسیر می‌گردد.

نتایج نشان می‌دهد، که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی تأثیر مثبت معناداری بر متغیر قدرت‌طلبی مدیریت داشته‌اند. اما، متغیر اثر تعاملی بین اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی بر قدرت‌طلبی مدیریت تأثیر مثبت را نشان می‌دهد. بنابراین، این فرضیه تایید شده و نیز، در بخش متغیرهای کنترلی به جزء سن شرکت، مابقی متغیرهای کنترلی بر قدرت‌طلبی مدیریت موثر می‌باشند

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

هدف اصلی پژوهش مزبور بررسی نقش تعدیلگری مالکیت نهادی بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت با استفاده از روش تابلویی با اثرات تصادفی در طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۱ بوده و داده‌های پژوهش از میان ۵۰۴ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از روش حذف سیستماتیک ۱۲۰ شرکت انتخاب شده است.

در فرضیه اول؛ رابطه‌ی اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت تأثیر دارد. بر این اساس، قدرت‌طلبی مدیریتی می‌تواند، توسط فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تشدید شود، این نتیجه با مطالعه‌ی دسای و

دارماپالا (۲۰۰۶)، دسای و همکاران (۲۰۰۷)، دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) و چن و همکاران (۲۰۱۰) و شامس و همکاران (۲۰۲۰) هم‌سو بوده و مشخص است، که راستای اجتناب از مالیات در شرکت‌ها مدیران با اعمال قدرت و نفوذ به سمت مدیریت سود و دستکاری صورت‌های مالی و انحراف منابع برای استفاده شخصی مدیران حرکت می‌نمایند. لذا، دست‌اندرکاران و تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی، باید با وضع مقرراتی شرکت‌ها را ملزم نمایند، تا فعالیت‌ها و رویه‌های مالیاتی خود را به صورت شفاف‌تری افشا کنند و نیز تمامی شرکت‌های پذیرفته-شده بورس اوراق بهادار ملزم به تهیه صورت تطبیق سود حسابداری و سود مشمول مالیات گردند، تا اطلاعاتی مفید و قابل اتکا برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم شود. همچنین، در سازمان امور مالیاتی کشور بررسی اظهارنامه‌های مالیاتی و درآمد مشمول مالیات ایزاری شرکت‌ها، کیفیت افشاء شرکتی آن‌ها توسط سازمان بورس اوراق بهادار افشاء شده، به عنوان شاخصی از اجتناب مالیاتی مورد توجه قرار گیرد.

اما، در فرضیه دوم؛ مالکیت نهادی بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت‌طلبی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از جهت نقش تعدیلگری بررسی شده است. نتایج مثبت اثر تعاملی بین اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی با مطالعه‌ی کورانا و موسر (۲۰۱۰) و شامس و همکاران (۲۰۲۰) هم‌سو بوده و مشخص‌کننده آن است، که در شرکت‌هایی که در جامعه آماری این تحقیق قرار گرفته، مبحث کنترل از سمت سهام‌داران نهادی با افق کوتاه‌مدت بوده و مطابق مطالعه‌ی کورانا و موسر (۲۰۱۰)، عملکرد این سهام‌داران نهادی سبب می‌شود، که مدیران را به اجتناب مالیاتی بیشتر و حداکثر کردن ارزش شرکت در کوتاه‌مدت تشویق می‌نمایند. البته به جرات می‌توان، شرایط حاکم بر بازار سرمایه کشور که در فضایی بی‌ثبات و سوداگرانه حرکت می‌نماید، گواه بر این مدعا می‌باشد. با توجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش، حساب‌رسان مالیاتی باید هنگام مشاهده وضعیت توانایی‌های مدیریتی شرکت، احتمال وجود اجتناب مالیاتی را در هنگام برآورد ریسک حسابرسی مد نظر قرار دهند. همچنین، سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری در کنار بررسی صورت‌های مالی به میزان شفافیت اطلاعاتی و اجتناب مالیاتی شرکت به قدرت مدیریت شرکت نیز توجه نموده، چراکه، تمامی این عوامل بر بازده آتی و ارزش شرکت تأثیرات به‌سزایی ایفا می‌نماید. درنهایت، به مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، برای جذب سرمایه و برخورداری از تشویق و پاداش عملکرد مطلوب مدیریت و حرکت به سمت ثبات بازار سرمایه از انتخاب استراتژی اجتناب مالیاتی به عنوان روشی برای جلوگیری از خروج منابع خودداری کرده و زمان و منابع شرکت را در فرصت‌های سودآور، سرمایه‌گذاری نمایند.

از مهم‌ترین محدودیت تحقیق تأثیر اجتناب مالیاتی بر عملکرد مدیران به سطوح مدیریت آنان در شرکت و نیز تأثیر اجتناب مالیاتی در شرایط اقتصادی شامل؛ رونق، رکود و تورم بر عملکرد سهام‌داران نهادی در کنترل قدرت‌طلبی مدیران در سطوح مختلف مدیریت بوده است. لذا، تعمیم نتایج تحقیق به دوره‌ای قبل یا بعد از دوره تحقیق مزبور با احتیاط باید صورت گیرد.

فهرست منابع

- آزاد، رحمت‌الله و رستگاری‌راد، یاسر (۱۴۰۲)، تأثیر غیرخطی مالکیت مدیریتی بر نسبت بدهی‌های کوتاه و بلندمدت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵(۵۹)، ۱۷۷-۱۹۸.
- اسماعیل‌زاده‌آملی، مریم (۱۴۰۰)، بررسی رابطه بین رقابت بازار محصول و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها: نقش سودآوری و حاکمیت شرکتی، چهارمین همایش بین‌المللی دانش و فناوری هزاره سوم اقتصاد، مدیریت و حسابداری ایران، تهران.
- بدیعی‌نژاد، علی و توانگر، افسانه (۱۴۰۱)، اثر تمرکز مالکیت نهادی منفعل، دوره تصدی مدیرعامل و رقابت بازار محصول بر رابطه بین اغفال توجه سرمایه‌گذاران نهادی منفعل و عدم شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴ (۵۴)، ۲۶۲-۲۳۳.
- خرمی، داریوش و غلامی جمکرانی، رضا (۱۳۹۳)، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و خوش بینی مدیریتی، دانش حسابداری، ۷(۲۳)، ۱۵۹-۱۸۱.
- ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳)، نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳، ۵-۱۸.
- قادرزاده، سیدکریم و علوی، سیدمصطفی (۱۴۰۱)، اجتناب مالیاتی، مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی، مجله دانش حسابداری، ۱۲(۳)، ۱۱۱-۱۲۸.
- کرمی، غلامرضا، فیروزنیا، امیر و کلهرنیا، حمید (۱۳۹۹)، اهمیت کیفیت محیط اطلاعات داخلی در اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۵)، ۴۷-۸۰.
- موسوی جهرمی، یگانه، غلامی، نوبخت، الهام و جواد، سیاه‌رودکلایی (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر پذیرش مالیات الکترونیک از دیدگاه مودیان مالیات بر ارزش افزوده، مجمع همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران.
- ناظمی، امین و نصیری، طاهر (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط میان کیفیت حاکمیت شرکتی و میزان مالکیت نهادی با افشای اطلاعات شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری مالی، ۲۳(۱)، ۹۹-۱۲۰.
- وقفی، سیدحسام، خواجه‌زاده، سامیران، قمیان، محمدمهدی و پرندین، کاوه (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین مؤلفه‌های نگرش سازمانی با جو سازمانی (مطالعه موردی بانک ملی)، مهندسی مدیریت نوین، ۲(۱۳)، ۴۷-۵۹.
- Abid, S. and Dammak, S. (2022). Corporate social responsibility and tax avoidance: the case of French companies", Journal of Financial Reporting and Accounting. 2(3,4). 618-638.
- Balakrishnan, K., Blouin, J.L., & Guay, W.R. (2019). Tax aggressiveness and corporate transparency. The Accounting Review, 94(1), 45-69.
- Ben Ali, C. & Lesage, C. (2012), Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France, China. Journal of Accounting Research, 6 (1): 21-34.

- Bertrand, M. and Mullainathan, S. (2003). Enjoying the quiet life? Corporate governance and managerial preferences. *Journal of political Economy*, 111(5), 1043-1075.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms?. *Journal Finance Economic*. 95(1). 41-61.
- Desai, M. A. Dyck, A. and Zingales, L. (2007). Theft and taxes. *Journal of financial economics*, 84(3), 591-623.
- Desai, M.A. and Dharmapala, D., (2009). Corporate tax avoidance and firm value. *Review Economic Statistic*. 91(3), 537-546.
- Desai, M.A., Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal Finance Economic*. 79 (1), 145-179.
- Fang, V.W., Maffett, M., & Zhang, B. (2015). Foreign institutional ownership and the global convergence of financial reporting practices. *Journal of Accounting Research*, 53, 593-631.
- Farooq, O. and Zaher, A.A. (2020). Ownership Structure and Tax Avoidance: Evidence from Indian SMEs. *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies* . 23(2). 1-19.
- Fee, C., C. Hadlock (2003). Raids, rewards, and reputations in the market for managerial talent. *Reviwer Financial Student*. 16(4) 1315-1357.
- Francis, B.B, Sun, X, Qiang, W. (2015). Managerial ability and tax avoidance. Working Paper, Available at: WWW.SSM.COM.
- Graham, J.R., Hanlon, M., Shevlin, T., Shroff, N. (2014). Incentives for tax planning and avoidance: Evidence from the field. *Accounting Review*, 89(3), 991-1023.
- Graham, J.R., Tucker, A (2006). Tax Shelters and Corporate Debt Policy. *Journal of Financial Economics*. 81, 563-594.
- Gupta, S., and K. Newberry (1997). Determinants of the Variability in Corporate Effective Tax Rates: Evidence from Longitudinal Data. *Journal of Accounting and Public Policy* 16: 1-34.
- Hambrick, D., and P. Mason. (1984). Upper Echelons: The Organization as a Reflection of its Top Managers. *The Academy of Management Review*, 9(1), 193-206.
- Hanlon, M. and Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2- 3), 127-178.
- Hanlon, M., & Slemrod, J. (2009). What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement. *Journal of Public Economics*, 93, 126-141.
- Hannan, M., and J.Freeman. (1977). The Population Ecology of Organizations. *American Journal of Sociology*, 82(5). 929-964.
- Hasan, I., Kim, I., Teng, H., and Wu, Q. (2022). The effect of foreign institutional ownership on corporate tax avoidance: International evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 46, 100440.
- Koester, A., Shevlin, T., & Wangerin, D. (2016). The Role of Managerial Ability in Corporate Tax Avoidance. *Management Science*. 56 (2-3), 3285-3310.
- Lim, Y.D (2011). Tax Avoidance, Cost of Debt and Shareholder Activism : Evidence from Korea. *Journal of Banking and Finance*. 456-470.
- Park, J., Ko, C.Y., Jung, H. & Lee, Y.S. (2016). Managerial ability and tax avoidance: Evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 23(4), 1-29.
- Rego, S. O. (2003). Tax Avoidance activities of U. S multinational corporations. *Contemporary Accounting Research* 20: 805-833.

- Rego, S.O., Wilson, R., (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal Accounting Rescuers*, 50, 775-810.
- Shams, S., Bose, S., & Gunasekarage, A. (2022). Does corporate tax avoidance promote managerial empire building?. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 18(1), 100293.
- Wang, G.Y. (2010). The impacts of free cash flows and agency costs on firm performance. *Journal of Service Science and Management*, 3, 408-418.
- Wenwu. X, Khurram. MU, Qing. L and Rafiq. A (2023). Management equity incentives and corporate tax avoidance: Moderating role of the internal control, *Front. Psychol.* 14:1096674. doi:10.3389/fpsyg.2023.1096674
- Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), 969-999.
- Yutao, L., and L. Yan. (2017). The Contextual Nature of the Association Between Managerial Ability and Audit Fees. *Review of Accounting and Finance*. 16(1). 2-20.

Abstract

Examining the moderating role of institutional ownership on the effect of tax avoidance on management's power-seeking

Mehdi Kazemi¹

Maryam Emamimibody[†]

Received: 12 / October / 2025 Accepted: 11 / December / 2025

Abstract

High management power and authority can lead to greater efficiency or opportunistic behavior. As discussed in the literature related to tax avoidance motives, managerial opportunism can be intensified through the tax avoidance activities of companies. Based on this, the purpose of this research is to examine the moderating role of institutional ownership on the impact of tax avoidance on management power-seeking. The present research is rationalistic in terms of its approach and practical in terms of its goal, and it is among descriptive-correlational researches. Also, the research method is deductive in terms of the type of reasoning and it is a retrospective research in terms of time. The statistical population of the research includes 120 companies admitted to the Tehran Stock Exchange, which were selected from different industries using the systematic elimination method in the period from 1394 to 1401, and to test the hypotheses of the research, using the multiple linear regression model in the panel data method with Random effects and generalized least squares method have been used. The results of the research show that tax avoidance has a positive effect on management's power-seeking in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Institutional ownership has a positive moderating role on the effect of tax avoidance on managerial power-seeking in companies listed on the Tehran Stock Exchange.

Key words: institutional ownership, tax avoidance, management power seeking.

¹ Department of Accounting, Shahi.C., Islamic Azad University, ShahinShahr, Iran, 5279563722@iau.ir

² Department of Accounting, Shahi.C., Islamic Azad University, ShahinShahr, Iran, (Corresponding Author) 1111759154@iau.ir